

نگاهی به پروگرام و دستور تعلیمات دوره ابتدایی در دوره قاجار با سندی از درس تاریخ

مطالعه موردی: دستور تعلیمات شش ساله مدارس
ابتدایی پسرانه، مصوب سال ۱۳۰۳ ش.

بخش اول

● مهرداد فردیار*

چکیده

از اواخر دوره قاجار با رواج نظام آموزشی جدید در ایران و افزایش تعداد مدارس و دانش‌آموزان و نیز انتشار کتاب‌های درسی متنوع به سلیقه مؤلفان، درس تاریخ نیز به‌عنوان یک درس مستقل در برنامه‌های درسی دوره ابتدایی گنجانده شد و توجه به عناوین و سرفصل‌های دروس و نیز تألیف کتاب‌های درسی، از اهمیت و ضرورت بیشتری برخوردار گردید.

پس از تصویب قانون اساسی معارف در سال ۱۳۲۹ق/ ۱۲۹۰ش، در فواصل زمانی کوتاه، چندین پروگرام یا دستور تعلیمات برای مدارس دوره تحصیلات ابتدایی و متوسطه تصویب شد.

دستور تعلیمات یکی از مهم‌ترین اسناد آموزشی کشور به‌شمار می‌رود. یکی از این اسناد، «دستور تعلیمات شش‌ساله مدارس ابتدایی ذکور» است که به‌عنوان برنامه درسی رسمی کشوری، توسط شورای عالی معارف در تاریخ سیزدهم خردادماه سال ۱۳۰۳، به تصویب رسیده و از آخرین دستورات تعلیمات دوره قاجار محسوب می‌شود. روش پژوهش در این تحقیق، اسنادی و توصیفی است و گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای انجام شده است. در این پژوهش، نخست ارتباط قوانین با برنامه درسی و رابطه برنامه درسی با کتاب‌های درسی بررسی می‌شود و سپس جایگاه درس تاریخ دوره ابتدایی در اواخر دوره قاجار تبیین می‌گردد. با توجه به کمیاب بودن این نوع اسناد، بازنشر مربوط به درس تاریخ در «دستور تعلیمات شش‌ساله مدارس ابتدایی ذکور» مصوب سال ۱۳۰۳ش، ارائه می‌شود؛ براساس این سند، درس تاریخ از سال سوم تحصیلات ابتدایی، در برنامه درسی دانش‌آموزان پسر گنجانده شده است. همچنین مشخص می‌شود که به‌دلیل بروز برخی خطاها در متن نسخه‌های چاپی دستور تعلیمات، چه به‌صورت کتابچه و چه در نشریه‌ها، پژوهشگران باید سند اصلی مصوب شورای عالی معارف را مورد توجه و استناد قرار دهند.

* محقق و پژوهشگر حوزه تاریخ تعلیم و تربیت E-mail: fardiyar@gmail

■ مقدمه

مسلمانان در قرن‌های نخستین اسلامی، بیش از هر چیز به بحث و تحقیق درباره قرآن، احکام آن، احادیث نبوی، روایت و فرهنگ عربی که جزئی جدایی‌ناپذیر از دین بود، توجه داشتند. همه این کوشش‌ها تنها در راستای تحکیم مبانی دین و نشر و تعلیم آن انجام می‌گرفت. به همین دلیل، مراکز اجتماعات دینی برای مسلمانان در حکم قدیمی‌ترین مراکز تعلیمی نیز بوده است. به طوری که در توصیف مدارس کهن کشورهای اسلامی، باید مساجد را نیز مورد توجه قرار داد. پس از آن، با رواج ساخت مدارس برای تعلیم علوم شرعی، معماری ویژه مساجد در این مدارس نیز مؤثر واقع شد. حتی پس از ایجاد و توسعه مدارس، مساجد همچنان نقش تربیتی و تعلیمی خود را حفظ کردند.

مقابر و زوایا (عبادتگاه‌های زهاد یا صوفیه)، خانقاه‌ها و رباط‌ها نیز برای تعلیم و تربیت به کار می‌رفتند؛ علاوه بر این، بیمارستان‌ها و دارالشفاه (بیت‌الادویه‌ها) برای تعلیم پزشکی و داروسازی و رصدخانه‌ها برای تعلیم ریاضیات و نجوم مورد استفاده قرار می‌گرفتند. در تمدن اسلامی، «مدرسه» مفهوم کلی و عامی دارد که قابل انطباق بر اجزای مختلف و گوناگون است؛ با این حال، از سده‌های چهارم و پنجم به بعد، مدارس خاص و کامل‌تری نیز پدید آمدند که در ضمن عاری از جنبه دینی هم نبود.

در مساجد معمولاً روش‌هایی برای مساعدت مالی طالبان علم وجود داشت که این «کمک‌خرج»، بنابر رسم زمان، «اجراء» نامیده می‌شد و از محل موقوفاتی که اهل خیر و سلاطین بر جوامع و مساجد وقف می‌کردند، پرداخت می‌گردید. علاوه بر این، برخی از بزرگان نیز گاه از اموال خود سهمی به دانشمندان و فاضلان می‌دادند.

با تکامل تمدن اسلامی و توسعه ادبیات و علوم دیگر، اکتفا به حلقه‌های مساجد و بحث‌های پراکنده در آن حلقه‌ها، کافی نبود و ایجاد مدارس، به رسم ملل متمدنی قدیم، ضروری به نظر می‌رسید. در آغاز مدارس، ساده، فاقد امکانات اقامت، کتابخانه و امثال آن‌ها بودند و سپس مدارس مجهز و کامل‌تری مانند نظامیه‌ها ایجاد شدند.

در پژوهش درباره مراکز آموزشی دوران اسلامی نباید «مکتب» را از نظر دور داشت. این مکتب‌ها در دوران بسیار طولانی، حافظ و ادامه‌دهنده بسیاری از سنت‌های ایرانی بودند. پس از حمله مغول و در گیرودار مشکلات ایرانیان و مسلمانان، مکتب‌ها همچنان به عنوان محل نگهداری اطفال و سوادآموزی به فعالیت خود ادامه دادند و مکتب‌داران نیز از درآمد آن بهره‌مند می‌شدند. گاه نیز مکتب‌هایی برای یتیمان و کودکان فقیر احداث و وقف می‌شد. مکاتب اغلب در جوار مدارس قرار داشتند و بسیاری نیز به صورت مستقل در نقاط دیگر یا در برخی مساجد تشکیل می‌شدند.

این مدارس و مکاتب ابتدایی را «مکتب» یا «کتاب» (در بعضی متون فارسی «کتاب») می‌نامیدند و مدرس مکتب را «معلم»، «ادیب» یا مؤدب می‌گفتند. «مکتب» و «کتاب» مترادف با کلمه فارسی دبستان و «مؤدب» و «معلم» مترادف با آموزگار است. برخی معلمان

فهم تعلیم و تربیت
نوبین ایران
بدون ادراک
گذشته آن میسر
نیست؛ هر چند
تعلیم و تربیت نوبین
سابقه‌ای طولانی
ندارد

«معیدی»^۱ نیز داشتند تا درس‌هایی را که معلم می‌گفت، برای شاگرد تکرار کند و او را در حفظ قرآن یاری دهد. تنبیه بدنی برای تربیت اطفال در مکتب و خانه، رایج بود و نسبت به آنان، به‌ویژه در مکاتب، با خشونت رفتار می‌کردند. تعلیمات ابتدایی تنها محدود به مکتب‌ها نبود؛ بلکه بسیاری از بزرگ‌زادگان در خانه‌های خود نزد معلمانی که برای ایشان انتخاب می‌شدند، تحصیل می‌کردند. اغلب امیرزادگان و پسران سلاطین نیز مربیانی (لله‌هایی)^۲ داشتند که در اعمال و رفتار ایشان نظارت می‌کردند و به تربیت آنان همت می‌گماشتند. از زمانی که مدارس، جایگزین مساجد و حلقه‌های تعلیم و تربیت شدند، البته در روش کار نیز تغییراتی پدید آمد، به‌ویژه از دوره‌ای که برای مدارس تشکیلات خاص، نظامات و مقرراتی تدوین گردید. (صفا، بی‌تا: ۷-۹، ۱۱-۱۲، ۳۲-۳۴، ۴۱-۴۲ و ۵۸)

فهم تعلیم و تربیت نوبین ایران بدون ادراک گذشته آن میسر نیست؛ هر چند تعلیم و تربیت نوبین سابقه‌ای طولانی ندارد. (موسی‌پور، ۱۳۸۷: ۸۵) نظام آموزشی ایران در دوره قاجار را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: نظام آموزش سنتی که تداوم نظام آموزشی دوره پیش از قاجار بود و نظام آموزشی جدید که بنابر ضرورت‌های تاریخی و اجتماعی دوره قاجار پدید آمد. (صوفی و دشتکی‌نیا، ۱۳۹۲: ۷۱) البته از دیدگاه نگارنده، در دوره‌ای، به‌طور هم‌زمان هر دو نظام آموزشی سنتی و جدید، مکتب‌خانه‌ها^۳ و یا مدارس فعالیت می‌کردند که تفکیک آن‌ها براساس تقسیم‌بندی مذکور با مشکلات جدی مواجه می‌شود؛ زیرا برای مثال، برخی از این مکتب‌ها با مکاتب دوره پیش از رواج و افزایش تعداد مدارس جدید، تفاوت‌های اساسی داشتند و نباید تنها براساس نام آن‌ها (مدرسه یا مکتب) نتیجه‌گیری کرد. بررسی این موضوع نیازمند پژوهشی مستقل است و در این پژوهش از آن صرف‌نظر می‌شود.

اگر از مکاتب یعنی مکتب‌های سرگذر بگذریم، در کشور ما هیچ‌گونه تعلیمات مصوبه وجود نداشت، مگر در حوزه‌های علمیه که از روزگاران کهن به همان سبک و سیاق سنتی و اغلب در رواق‌ها و ایوان‌های مساجد رواج داشت و تقریباً همه بزرگان علم و ادب ما با این مدارس سروکار داشتند. در همین مدارس که تنها بر اساس سنت شکل گرفته بودند، مراتب علمی شاگردان موردنظر بود و از طریق انتخاب کتاب‌های دشوارتر و فراگیرتر نسبت به سال‌های نخستین تدریس، می‌توانستیم تشخیص دهیم که طالب علم در چه پایه و مایه‌ای قرار دارد. ولی فراتر از این حوزه‌ها، هیچ‌گونه برنامه دولتی و ملی در زمینه تعلیمات وجود نداشت. (نوابی، ۱۳۷۷: ۳۵) متأسفانه در خصوص برنامه‌های اختصاصی آن‌ها نیز اسناد زیادی شناسایی نشده و یا در حال حاضر در دسترس نیست. نمونه‌ای از برنامه یا نظامنامه در خصوص آموزش در مکتب، مقاله «رساله قواعد تدریس اطفال؛ دستنامه آموزش

۱. آنکه درس مدرس را برای شاگردان تکرار و اعاده کند تا بیاموزند. (یادداشت به خط مرحوم دهخدا).

۲. پرستار

۳. زنده یاد حسین امید از مکاتبی به نام‌های ارک، حاج میرزا احمد، قدسیه، مدرسه محمدیه، مدرسه اسلامی در تبریز یادکرده است که تقریباً شکل مدرسه داشتند. (امید، ۱۳۳۲، ج ۱: ۸۴).

گذراندن
دوره آموزشی
در مکتب‌خانه‌ها
طولانی بود

مکتب‌خانه» است که متأسفانه تاریخ نگارش آن مشخص نیست. (رضوی‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۷) اما به نظر نویسنده، مقاله یادشده مربوط به اواخر دوره قاجار است.^۱ مجمع‌التدریس، حاج میرزا یحیی معروف به ادیب‌العلماء در شهر تبریز، مدرسه‌ای تأسیس کرد که تا سال ۱۳۱۶ ق دایر بود و با توجه به آنکه آن مرحوم انتظامات و مقررات خاصی داشت، معتقد بود که مکتب و تعلیمات او نسبت به دیگر مکاتب تبریز امتیاز دارد؛ (صفوت، ۱۳۹۴: ۴۸) که متأسفانه از جزییات آن اطلاعی در دست نیست.

تحصیل در مکتب‌خانه‌ها گرچه تابع سنتی دیرپا بود؛ ولی در عمل، بهره‌وری مناسبی نداشت. به روایت کسانی که خود در مکتب‌خانه تحصیل کرده بودند، گذراندن دوره آموزشی در مکتب‌خانه‌ها هم طولانی بود و هم آموخته‌های کودکان بسیار اندک و ناچیز بود. خشونت و اعمال تنبیه بدنی در مکتب‌خانه‌ها نیز از عواملی بود که سبب می‌شد کودکان از مکتب و معلم مکتب‌خانه گریزان باشند. (تار، ۱۳۹۳: ۱۶۴) زنده‌یاد استاد علی‌اکبر شعاری‌نژاد (متولد سال ۱۳۰۴ ش) در روایت خود از دو ماه حضور در مکتب‌خانه‌ای در مسجد جامع شهر تبریز، قبل از رفتن به مدرسه، چنین نقل می‌کند: پس از مشروطه، مدیر یا صاحب آن مکتب شخصی روحانی بود و معلمشان فردی به نام میرزا علی اصغر (مغازه‌دار) بود؛ صاحب مکتب فقط عصرها، هنگام مرخصی با یک چوب تر و تمیز و خوشگل به مسائل انضباطی مکتب خردسالان رسیدگی می‌کرد. ایشان روزی را به یاد نداشتند که چوب نخورده، به خانه آمده باشند و همین محبت وجود به ز مهر پدر استاد، سبب شد که وی از مکتب‌خانه فرار کند. البته معلم کلاس پنجم ابتدایی ایشان نیز بسیار سخت‌گیر بود و روزی نبود که بدون چوب تعلیم در کلاس حاضر شود. (شعاری‌نژاد، اصلانی و مجدفر، ۱۳۸۷: ۱۵-۱۷) این روایت‌ها احتمالاً حاکی از رواج شیوه تنبیه بدنی حتی در دوره رواج مدارس نیز بوده است.^۲

با ورود نوگرایی به ایران، نه‌تنها مواد درسی جدید عرضه شد، بلکه شیوه آموزش و پرورش و به تدریج فلسفه آموزش نیز دگرگون گردید. نخبگان جامعه در قالب متون تعلیمی دیدگاه‌های خود را مطرح می‌کردند و می‌کوشیدند روش‌های مناسب آموزشی را تبیین کنند. (تربیتی‌فارسانی و شریفیان‌پور، ۱۴۰۱: ۱۱)، تغییر و تحول نظام آموزشی یکی از بحث برانگیزترین مباحث در جامعه ایران از حدود یک قرن گذشته تا کنون است. (بوچانی، ۱۳۹۰: ۳۴)

این حکم کلی حتی در مورد کتاب‌های درسی نیز صدق می‌کرد؛ زیرا تهیه یا ترجمه کتاب‌های درسی به متخصص نیاز داشت و در آن روزگار، افرادی که بتوانند کتاب درسی تألیف کنند، بسیار اندک بودند. (سرمد، ۱۳۷۲: ۱۱۴-۱۱۵)

۱. بدین وسیله از جناب آقای مسعود میرعلایی، دوست ارجمند، برای معرفی این مقاله و نیز ارسال تصویر نسخه خطی رساله یادشده، سپاسگزاری می‌کنم.

۲. هرچند دوره تحصیل ابتدایی و راهنمایی نگارنده فاصله زمانی بسیار زیادی با دوره مورد بحث دارد، اما برخی از این تنبیه‌ها را در مدرسه از نزدیک مشاهده کرده‌ام. مثلاً یکی از معلمان دوره راهنمایی اینجانب در شهر تهران، یک شلنگ حدود بیست و پنج و یا سی سانتی‌متری را تا کرده و با کش می‌بستند و همیشه در جیبشان بود تا در مواقع لزوم در کلاس درس به سرعت به ابزار تنبیه دسترسی داشته باشند. هر چند ایشان از معلمان خوب مدرسه محسوب می‌شدند؛ اما همانند نسل معلمان خودشان، اعتقاد به استفاده از تنبیه بدنی برای یادگیری بهتر دانش‌آموزان داشتند.

تأسیس مدارس
ابتدایی و در نتیجه
افزایش تعداد
دانش آموزان، بیش از
نیم قرن پس از
تأسیس مدرسه
عالی دارالفنون،
صورت گرفت

تدوین و چاپ کتاب‌های درسی با تأسیس مدارس جدید در ایران عهد قاجار، آغاز شد. (صادقی و عسکرانی، ۱۳۸۶: ۷۱) تاریخ آموزش جدید ایران نشان می‌دهد که تأسیس و آغاز به کار مدرسه دارالفنون به عنوان مدرسه عالی در سال ۱۲۶۸ ق، زمینه‌ساز تحولاتی مهم در زمینه آموزش از جمله تألیف، ترجمه و انتشار شماری از کتاب‌های درسی بوده است. باین حال، باید توجه داشت که تأسیس مدارس ابتدایی و در نتیجه افزایش تعداد دانش آموزان، بیش از نیم قرن پس از تأسیس مدرسه عالی دارالفنون، صورت گرفت و ضرورت تدوین کتاب‌های درسی ویژه دانش آموزان این دوره، مورد توجه قرار گرفت.

افزون بر این، اقبال عمومی به موضوع آموزش و نیز گسترش صنعت چاپ، سبب تألیف و انتشار کتاب‌های درسی بر اساس ذوق و سلیقه و دانش معلمان و نیز بنیان گذاران مدارس شد. بسیاری از کتاب‌های درسی از نظر سرفصل و محتوا اختلافات فراوانی داشتند؛ به طوری که با تغییر شهر، معلم و یا مدرسه، دانش آموزان مجبور به تهیه و خرید کتاب‌های درسی دیگری می‌شدند. (فردیاری، ۱۴۰۰: ۲۵۴) آنچه در آغاز ترجمه و سپس تألیف کتاب‌های درسی مستقل وارد عرصه برنامه درسی شد، نوعی «انتخاب مواد برای آموختن» بود؛ کاری که نقطه آغاز مباحث مربوط به عنصر محتوای برنامه درسی به شمار می‌آید. (موسی پور، ۱۴۰۲: ۳۲۸) حتی به نظر می‌رسد برخی از این کتاب‌های درسی، به اجبار و با توجه به شرایط آن دوره، از توضیحات شفاهی یا جزوه کلاسی به کتاب تبدیل شده‌اند. محمدعلی ذکاءالملک (بعدها فروغی) در دیباچه کتاب درسی «دوره مختصری از علم فیزیک» به تدریس درس فیزیک دوره متوسطه برای سه طبقه از شاگردان مدرسه علمیه اشاره می‌کند؛ موضوعی که امروزه برای ما حائز اهمیت است و نکاتی را درباره ضرورت تألیف کتاب‌های درسی و مقتضیات آن دوره را روشن تر می‌سازد. محمدعلی ذکاءالملک دوره اول درس فیزیک را به اقتضای استعداد محصلان مفصل و دوره‌های دوم و سوم به دلیل کم‌توانی محصلان مختصرتر ارائه می‌کرد و چون کتاب درسی مناسبی برای دانش آموزان وجود نداشت، وی مطالب را برای دانش آموزان دوره‌های دوم و سوم تقریر می‌کرد و آن‌ها می‌نوشتند و چون این جزوه جمع‌آوری و تدوین شد، بعضی از دوستان آن را دیدند و پسندیدند و به دلیل نیاز مدارس به یک دوره مختصر از علم فیزیک، ذکاءالملک را تشویق کردند تا تصاویری به آن اضافه و به شکل کتاب منتشر نماید. ایشان در ادامه دوباره توضیح می‌دهند که این کتاب از ابتدا برای چاپ و نشر نوشته نشده و هدف ایشان تألیف کتاب درسی در زمینه علم فیزیک نبوده است. در ضمن اجبار دانش آموزان به تقریر درس (در واقع جزوه‌نویسی) فقط برای اصول مهم بوده و بقیه مطالب را فقط گوش می‌کردند. بنابراین کتاب در بسیاری از موارد بسیار موجز و مثال و شواهد زیادی ندارد. (ذکاءالملک، ۱۳۳۰ ق: ۲-۳)

نظام آموزشی جدید ایران در دوره قاجار، متأثر از نظام آموزشی فرانسه بود. هرچند برخی از افراد، نظیر محیط طباطبایی با نگاهی خرده‌بینانه به آن می‌نگریستند، ... اما واقعیت آن است که اگر فرهنگ فرانسه واجد کاستی‌هایی بود، این کاستی‌ها به جامعه خود آن کشور بازمی‌گشت. و گرنه برای محصلان کلاس‌های متوسطه ایران، مدارس و

آموزش‌های نوین در سطوح ابتدایی و متوسطه به ابزار، وسایل و قواعد مشخصی نیاز داشت

برنامه‌های آموزشی فرانسه ارزشمند و مفید بود. (محبوبی/اردکانی، ۱۳۷۰، ج ۱: ۳۶۴-۳۶۵) قانون تعلیمات ابتدایی در فرانسه که عمومی، آزاد و اجباری بود و در تاریخ ۱۶ ژوئن ۱۸۸۱ (۱۲۹۸/ق/۱۲۶۰ش) به تصویب پارلمان فرانسه رسید. به موجب این قانون، دوره تحصیل اجباری در مدارس ابتدایی از سن شش سالگی تا سیزده سالگی تعیین شد. (تعلیمات/ابتدایی در فرانسه، ۱۳۰۴: ۷۵) با فاصله زمانی نسبتاً اندکی و بر اساس ماده ۳ قانون اساسی معارف (مصوب ۱۳۲۹/ق/۱۲۹۰ش) تعلیمات ابتدایی برای عموم ایرانیان اجباری شد. (قانون اساسی معارف (مصوب سال ۱۲۹۰ش)، پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی) افزایش تعداد مدارس جدید، دانش‌آموزان و تعداد کتاب‌های درسی در اواخر دوره قاجار و نیز تصویب قانون اساسی معارف، ضرورت تدوین برنامه‌های تحصیلی و سرفصل‌های دروس را به صورت نظام یافته و هماهنگ آشکار ساخت. در همین راستا، واژه‌های فرنگی به‌ویژه در حوزه رشته‌های سیاسی، پزشکی، (ناطق، ۱۳۷۵: ۶۰) آموزش، بیش از پیش به نشریه‌ها و کتاب‌ها راه یافت؛ از جمله می‌توان به واژگان و اصطلاحاتی مانند «پروگرام»، «کنفرانس»، «پولیتیک» و ... اشاره کرد. حتی واژگانی مانند «پروگرام مدارس» و «مکاتب» به قانون اساسی معارف (مصوب سال ۱۲۹۰ش) راه یافت و ناظر و مسئول اجرای پروگرام‌های وزارت معارف تعیین شد. (ماده ۲ و ۱۶ قانون اساسی معارف)

در واقع، اگرچه تعلیم و تربیت سنتی، به چیزی بیش از محل، معدودی کتاب و مدرس نیاز نداشت، آموزش‌های نوین - اعم از نظامی، فنی، مهندسی، پزشکی، نقاشی، دواسازی، معدن‌شناسی، جغرافیا و برخی دروس دیگر - در سطوح ابتدایی و متوسطه به ابزار، وسایل و اصول و قواعد مشخصی نیاز داشت. (سرمد، ۱۳۷۲: ۱۱۴-۱۱۵) با این همه، با وجود تصویب قانون و در نظر گرفتن شرایط اقتصادی و سیاسی کشور، مدت زمان زیادی طول کشید تا بیشتر کودکان واجد شرایط سنی، امکان تحصیل پیدا کنند.

برنامه تحصیلات و اداره مدارس تا سال ۱۳۳۰ق، در اداره معارف آذربایجان وجود نداشت. برای هر مدرسه از طرف مدیر و مؤسس آن، برنامه‌ای ترتیب داده می‌شد و اغلب این برنامه‌ها با یکدیگر تطبیق می‌کرد، در یک مدرسه شاگردان قوی و در مدرسه دیگر ضعیف بودند؛ با وجود این، مدیران مدارس جلساتی تشکیل می‌دادند تا این نقیصه را رفع کنند و هماهنگی در تحصیلات را فراهم سازند. به هر صورت در این دوره، برنامه مرتبی برای مدارس وجود نداشت. نخستین برنامه در سال ۱۳۲۳ق، تدوین شده بود؛ ولی تا زمان تشکیل اداره معارف در آذربایجان، در مدارس آذربایجان به طور رسمی به اجرا گذاشته نشده بود. (امید، ۱۳۳۲، ج ۱: ۱۲۳) مطلب مورد اشاره زنده‌یاد امید به نوعی حاکی از فاصله زمانی بین تصویب قوانین و اجرای آنها بود.

پروگرام و دستور تعلیمات

امروزه در نظام آموزشی کشور، از واژه‌ها و عباراتی نظیر «پروگرام»، «دستور تعلیمات» و مانند آن استفاده نمی‌شود و به جای آنها اصطلاحاتی مانند «برنامه‌ریزی درسی» یا

محمدعلی
ذکاءالملک،
مدیر «مدرسه»
سیاسی «پروگرام»
را «فهرست مواد
تدریسی» تعریف
کرده است

«برنامه‌ریزی تحصیلی» رایج است. در این بخش، به‌طور مختصر به مفهوم «پروگرام» و «دستور تعلیمات» و کاربرد تاریخی آن پرداخته می‌شود.

محمدعلی ذکاءالملک، مدیر «مدرسه سیاسی»، در دیباچه کتاب «تاریخ مختصر دولت قدیم روم» که در سال ۱۳۲۷ ق، منتشر شده، پروگرام را «فهرست مواد تدریسی» تعریف کرده است. (فروغی، ۱۳۲۷ ق، دیباچه)

شاید یکی از رسمی‌ترین تعاریف واژه «پروگرام»، ماده ۲ قانون اساسی معارف (مصوب ۱۲۹۰ ش/۱۳۲۹ ق) است. در این قانون برای پروگرام شرایطی در نظر گرفته شده که شامل در نظر گرفتن حیثیت علمی، صنعتی و نشوونمای بدنی [دانش‌آموزان] است. همچنین در ماده ۱۷ آن اشاره شده است که پروگرام باید به‌اندازه لزوم شامل تعلیم واجبات دینی باشد. (قانون اساسی معارف (مصوب سال ۱۲۹۰ ش)، پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)

در واژه‌نامه دهخدا، کلمه «پروگرام» به شکل زیر تعریف شده و زنده‌یاد دهخدا آن را مرتبط با «دستور تعلیمات» دانسته است:

«لفظ فرانسوی به معنی دستور کار یا عملی و اغلب در مورد دستور تعلیمات مدارس به کار می‌رود و امروزه کلمه برنامه به جای آن معمول است»

دستور تعلیمات: در نگاه اولیه، «دستور تعلیمات» ترکیبی از دو واژه دستور و تعلیمات است و برای دستور معنای فرمان، قاعده و قانون، آیین و روش^۱ ذکر شده و تعلیمات جمع تعلیم است. مشابه استفاده از ترکیب کلمه دستور، در دستور زبان فارسی مشاهده می‌شود. یکی از قدیمی‌ترین کاربردهای این عبارت در زمینه آموزش، در ماده ۶۱ قانون «تشکیل ایالات و ولایات» و «دستورالعمل حکام» مصوب سال ۱۳۲۵ ق/۱۲۸۶ ش، بوده که این عبارت مرتبط با موضوع مکاتب ابتدایی و مدارس ابتدایی و متوسطه به کار رفته است. (قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام (مصوب چهاردهم ذی‌قعدة سال ۱۳۲۵)، پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)

● «دستور تعلیمات» در کتاب «دستور تعلیمات ابتدایی» چاپ سال ۱۳۲۹ ق، به معنای عناوین دروس هر سال و نیز سرفصل کلی آن‌ها (دستور تعلیمات ابتدایی، ۱۳۲۹ ق: ۷) و «دستور تحصیلات» در کتاب دستور تعلیمات ابتدایی چاپ سال ۱۳۳۵ ق، به معنای عناوین دروس هر سال و نیز سرفصل کلی آنها است. (دستور تعلیمات ابتدایی، ۱۳۳۵ ق: ۴)^۲ یعنی در موارد یادشده معنای «دستور تعلیمات» و «دستور تحصیلات» یکسان تعریف شده است.

۱. ر.ک: سایت واژه یاب.

۲. این کتاب با کد ۳۱۸۰۲۷-d در کتابخانه آیت‌الله بروجردی واقع در شهر قم نگهداری می‌شود که در ابتدای متن درج شده که به سال ۱۳۳۳ ق به موجب تصویب وزارت معارف در مدارس ابتدایی مجری خواهد شد و در صفحه آخر (۲۷) تاریخ ۱۳۳۵ ق درج شده، که احتمالاً مربوط به تاریخ چاپ این کتاب است.

- در صفحه عنوان کتاب «اصول عقاید» میرزا حسن رشدیه از عبارت مطابق «دستور وزارت معارف و تعلیمات عمومی» استفاده شده است. (رشدیه، ۱۳۳۴ ق: ۱)
 - در نسخه چاپی در سخنرانی کفیل وزارت معارف در جشن سالیانه معارف، «دستور (پروگرام) تعلیمات» به کار رفته است و در ادامه عبارت «دستور تعلیمات» به کار رفته است (لایحه و راپورت آقای کفیل وزارت معارف، ۱۳۰۴: ۲۱) وحید دستگردی، نظامنامه را معادل پروگرام دانسته است. (وحید دستگردی، ۱۳۰۵: ۲۷۴-۲۷۵) فلسفی نیز عبارت «دستور تعلیمات (پروگرام)» را به کار برده است. (فلسفی، ۱۳۱۴: ۱۶۹) که به نوعی نشانگر یکسان انگاشتن معنای کلمه دستور یا دستور تعلیمات با پروگرام است.
 - دستور تحصیلات به معنای پروگرام دروس محصلان مدارس قدیمه (مدرس، ۱۳۰۵: ۵۰۲)
 - هدایی عبارت «دستور» در دستور تعلیمات متوسطه مصوب سال ۱۲۹۳ ش ... را به جای عبارت «برنامه درسی» در نظر گرفته است. (هدایی، ۱۳۸۸: ۷۱)
- سرانجام با توجه به وضع و تصویب لغات جدید توسط فرهنگستان زبان فارسی از سال ۱۳۱۴ ش، استفاده از لغت «برنامه» به جای «پروگرام» و «کاتالوگ» از سوی وزیر معارف و اوقاف ابلاغ می شود. (تصویر - ۱)



تصویر ۱. بخشی از تصویر متحدالمال (بخشنامه)
در خصوص لغات جدید مصوب فرهنگستان در سال ۱۳۱۴ ش
(شناسه سند: ۲۹۷/۸۳۵۶، محل نگهداری: معاونت آرشیو کتابخانه ملی)

استفاده از
کتاب درسی چاپی،
تحولی بنیادین
در امر آموزش
به شمار می‌رفت

از اواخر دوره قاجار به بعد، پروگرام‌های اختصاصی^۱ (مختص مدرسه‌ای خاص) و رسمی^۲ متفاوتی به جامانده است. پروگرام‌های اختصاصی، سلیقه مؤسسان آن مدارس را بیشتر آشکار می‌کند و در آنها به موضوعاتی مانند عناوین دروس^۳، سرفصل هر درس و در برخی موارد ساعات تدریس هر درس در هفته و ... پرداخته شده است. با توجه به تغییرات این اسناد در دوره‌های زمانی کوتاه‌مدت و تصور بی‌اهمیت بودن آنها، تلاش جدی برای نگهداری آنها صورت نگرفته است. بنابراین معمولاً بیشتر این نوع از اسناد کمیاب و نایاب محسوب شده و دسترسی به آنها سخت و دشوار است. یکی از موضوعات مهم مرتبط با پروگرام‌ها، موضوع سرفصل درس‌ها و در نتیجه تألیف کتاب‌های درسی و چاپ آنها است.

استفاده از کتاب درسی چاپی، تحولی بنیادین در امر آموزش به شمار می‌رفت؛ زیرا فراگیران را از رنج رونویسی و نویسندگان را از زحمت نسخه‌برداری می‌رهانید و کمکی بزرگ برای آموزش بود. (عسکرانی، ۱۳۸۹: ۱۴۴) کمبود معلم، کم‌سوادی معلمان موجود، و بی‌سوادی عده‌ای از معلمان از دیگر نقایص نظام تربیتی ایران در دوره قاجار است. طبق قانون اداری وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه مصوب سال ۱۳۲۸ق، «رد و قبول تألیفات معینه برای مدارس و مکاتب» از وظایف هیئت مشاوره وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه است. همچنین در ماده ۱۴ قانون اساسی معارف مصوب سال ۱۳۲۹ق، ذکر شده که «کتابی که از طرف وزارت معارف ممنوع شده باشد در هیچ مدرسه نباید تدریس بشود.» (سرمد، ۱۳۷۲: ۶۲ و ۱۱۴) قانون اساسی معارف، بیانیه مکتوب تمرکزگرایی در نظام برنامه‌ریزی درسی ایران است، اما خود بر بنیادی عمیق از فعالیت‌های علمی-فرهنگی بنا شده است. (موسی‌پور، ۱۴۰۱: ۱۳ و ۲۱) با تصویب پروگرام/پروگرام/دستور تعلیمات برای دوره‌های تحصیلی، ناشران، کتاب‌فروشان و چاپخانه‌های کتاب درسی ملزم شدند که عنوان‌هایی نظیر «مطابق پروگرام وزارت معارف» و حکم وزارت معارف به نویسندگان را در صفحه عنوان کتاب درج و چاپ کنند. در تصویر ۲ نمونه‌ای از اسناد اداره انطباعات وزارت معارف و اوقاف در خصوص اخطار «به عموم آقایان کتاب‌فروشان و متصدیان طبع کتب کلاسی» به تاریخ هفدهم میزان (مهرماه) سال ۱۳۳۳ق^۴ به همراه امضای برخی از کتاب‌فروشان برای انعکاس اطلاع از مفاد آن آمده است. ظاهراً برای جلوگیری از تقلب توسط نویسندگان، ناشران و چاپخانه‌داران، در این سند درج حکم وزارت معارف به نویسندگان را منوط به اخذ نظر کمیسیون و تأیید شورای عالی معارف کرده است. نمونه‌ای از درج حکم وزارت معارف به رئیس معارف آذربایجان در تصویر ۳ مشاهده می‌شود.

۱. مانند: نظامنامه و پروگرام مدرسه سیروس (۱۳۳۳ ق)

۲. مانند: دستور تعلیمات شش ساله مدارس ابتدایی ذکور مصوب سال ۱۳۰۳ ش.

۳. در اعلان تأسیس مدرسه رضویه در شهرستان اسکو در شوال سال ۱۳۲۸، از عبارت «فهرست تحصیلات» به عناوین دروس یاد شده است. (امید، ۱۳۳۲، ج ۱: ۲۸۵).

۴. معادل با هفدهم مهرماه سال ۱۲۹۴ (لازم به توضیح است تبدیل تاریخ توسط سایت با حساب انجام شده است.

<https://www.bahesab.ir>



جمعی از معلمان و دانش آموزان مدرسه سپه خرم آباد (سال ۱۳۰۴ ش). این دبستان رایگان دولتی افتتاح تیرماه سال ۱۳۰۳ ش.، شماره آرشیو موسسه مطالعات تاریخ معاصر ۱-۴۲۹۴-۱ع

بنابر سندی مربوط به درخواست کتابفروشی اقبال [شهر تهران] برای تصدیق تطبیق کتاب درسی تألیفی با پروگرام درسی به تاریخ فروردین ماه سال ۱۲۹۶، مسئولیت تطبیق محتوای کتاب درسی با پروگرام به نویسندگان کتاب درسی واگذار شده است و خود مؤلفان کتابها در اعلام تطبیق کتاب با برنامه در کتاب درسی آزاد هستند، اما مسئولیت صحت و سقم این اظهار برعهده خودشان است. (طاهر/احمدی، ۱۳۸۵: ۲۱۹) ولی ما از مدت اعتبار و سیر تغییر این دستورات، اطلاع دقیقی نداریم که مستلزم بررسی های دقیق و پژوهش های مستقل است.



تصویر ۲. اخطار به کتابفروشان و متصدیان طبع کتب کلاسی در سال ۱۳۳۳ اق. (شماره سند: ۲۹۷/۳۶۵۳۷، محل نگهداری: معاونت آرشیو کتابخانه ملی)



تصویر ۳. سواد مجوز انتشار کتاب هندسه متوسطه برای مدارس آذربایجان
توسط وزارت معارف در سال ۱۳۳۴ق/۱۲۹۴ش
و تصویر صفحه عنوان همان کتاب (فیوضات، ۱۳۳۴ق)

اما با وجود این، در صفحه اعلان کتاب‌های درسی مدارس شهر تبریز، مجوز اداره معارف آذربایجان بعد از این تاریخ (۱۳۳۳ ق) مشاهده می‌شود.^۱ (تصویر ۴ و ۵)

به موجب بند چهار «تهیه و اصلاح دستورات رسمی کلیه تحصیلات علمی و فنی مدارس ذکور و اناث و نظامنامه‌های مدارس» و بند هفت «تطبیق تألیفات مخصوصه به مدارس با دستورات رسمی و رد و قبول آن‌ها» ماده ۱۲ قانون شورای عالی معارف (مصوب ۱۳۰۰/۱۲/۲۰)، از وظایف شورای عالی معارف قرار می‌گیرد.

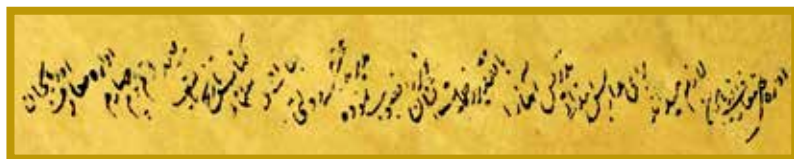
اما در پاسخ مورخ ۱۳۰۷/۰۳/۱۳ش، به درخواست مورخ ۱۳۰۷/۰۲/۱۶ محمدعلی معرفت، مدیر کتابفروشی و انتشارات معرفت شهر تبریز، در خصوص اجازه چاپ کتاب‌های درسی معمول در آذربایجان و تصدیق مطابقت آن‌ها با پروگرام رسمی و محدودیت زمان چاپ (تا آغاز سال تحصیلی)، به ایشان پاسخ می‌دهند که این کار بر عهده اعضای شورای معارف است که به‌طور قطع برای آن بیشتر از دو ماه وقت لازم است و با این ملاحظه، توقف و انتظار شما در تهران لازم نیست، و مانعی برای چاپ آن‌ها وجود ندارد. اگر از تطبیق آن‌ها

۱. نگارنده سال‌ها پیش، تصویر چاپ ششم کتاب درسی چاپ سنگی «وظیفه اطفال» تألیف میرزا عبدالرحیم، مدیر دبستان تربیت، و کتاب درسی چاپ سنگی «تاریخ مصور منتخب از نامه خسروان» (سال ۱۳۲۵ق) را مشاهده کرده است که به ترتیب «با نظارت مجلس اتحاد معلمین تبریز» و «از نتایج اقدامات مجلس اتحاد معلمین» در شهر تبریز در اواخر دوره قاجار انتشار یافته بود.

با پروگرام مطمئن هستید، این معنی را در ظاهر آن‌ها تذکر دهید و وقتی این معنی رسمیت پیدا می‌کند که حقیقت آن به تأیید شورای عالی معارف برسد. (محل نگهداری: سازمان اسناد و کتابخانه ملی، سند: ۲۹۷/۲۰۱۵۵) بنابراین شاید بایستی نسبت به تعبیر عبارت مطابق با پروگرام یا مشابه آن بدون درج متن مجوز، محتاط‌تر اقدام کرد.



تصویر ۴. صفحه عنوان کتاب درس تاریخ عمومی با عبارت «مطابق پروگرام وزارت جلیله معارف» (ادیب نوبری، ۱۳۳۶ق)



تصویر ۵. بخشی از صفحه عنوان کتاب درس تاریخ عمومی با مجوز اداره معارف آذربایجان^۱ به نویسنده کتاب (ادیب نوبری، ۱۳۳۶ق)

رضا نجمی تبریزی (۱۲۵۷-۱۳۳۵ ش)، ملقب به مهندس‌الملک از معلمان و رجال معارف‌پرور و از مؤلفان کتابهای درسی در اواخر دوره قاجار و پهلوی، گفته است: در مدت پنجاه سال که در خدمت معارف زحمت کشیدم، برای هر درسی که تدریس کردم، کتابی

۱. بازخوانی متن حکم: اداره معارف آذربایجان [ناخوانا] چهارم کتاب تاریخ تألیف جناب آقای ادیب‌العلماء، مدیر محترم مدرسه دولتی نوبر را تصویب نموده با تقدیر زحمات ایشان، تدریس آنها را برای مدارس ابتدایی لازم می‌داند. اداره کل معارف آذربایجان.

مطابق برنامه و فراخور محصلان تألیف کردم^۱ و به واسطه تجربه، از اسلوب جدید و آسان استفاده کردم. (نجمی، ۱۳۳۱: ۱۶۲) احمد بیرشک در معرفی کتاب‌های درسی هندسه رایج قبل از سال ۱۳۱۵ش، به دو کتاب از نویسندگان به نام‌های غلامحسین رهنما و رضا نجمی (مهندس‌الملک) اشاره کرده است که کتاب اول را کتابی مشکل، اما مفید برای شاگردان تیزهوش و کتاب دوم به اندازه‌ای مشکلات را آسان کرده بود که شاگرد احتیاج به زحمت نداشت و به این جهت برای پرورش فکر مطلقاً مناسب نبود. (اصغری، ۱۴۰۳: ۲۶۳) که زنده‌یاد بیرشک (۱۲۸۵-۱۳۸۱ش) به نوعی به موضوع مهم تألیف کتاب‌های درسی با پیش‌فرض برنامه درسی یکسان و هنر نویسنده یا نویسندگان کتاب‌های درسی اشاره می‌کند که به صورت غیرمستقیم با برنامه درسی، هدف آموزش کودکان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

۱. نگارنده در میان استادان دانشگاهی با روحیه تألیف کتاب درسی برای واحدهای درسی که تدریس می‌کردند، با جناب آقای ایرج صادقی متولد سال ۱۳۱۹ش. در دوره تحصیل، مواجه بوده است که کتاب‌های زیادی را در زمینه آموزش کامپیوتر، تألیف کرده‌اند که یکی از کتاب‌های غیردرسی ایشان، کتاب «لحظه‌های سرنوشت‌ساز» از انتشارات آتیه است.

منابع

۱. ادیب نویری تبریزی، ابراهیم (۱۳۳۶ق)، تاریخ عمومی (برای شاگردان درجه چهارم مدارس ابتدایی)، تبریز: کتابخانه معرفت، چاپ اول، [چاپ سنگی]، [محل نگهداری: کتابخانه ملی].
۲. اصغری، امیرحسین (۱۴۰۳)، «مهندس‌الملک: پل میان گذشته و آینده آموزش ریاضیات در ایران»، مجله فرهنگ و اندیشه ریاضی، ۷۵، صص ۲۶۱-۲۷۸.
۳. امید، حسین (۱۳۳۲)، تاریخ فرهنگ آذربایجان، ج ۱، تبریز: آبی‌نا، [چاپخانه فرهنگ].
۴. آربن پور، یحیی (۱۳۷۸)، از صبا تا نیما (تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی)، ج ۱، تهران: زوار، چاپ نهم.
۵. بوچانی، ابراهیم (۱۳۹۰)، «قانون‌گذاریهای آموزشی نهادهای رسمی در دوره دوم مجلس شورای ملی»، مجله روزگاران بهار، ش ۲، صص ۳۳-۴۸.
۶. بهرامی، عبدالله (۱۳۲۵)، بیجارگان، تهران: بی‌نا، [چاپخانه: شرکت چاپخانه تهران].
۷. تاره، مسعود (۱۳۹۳)، «شیوه نوین آموزش مدارس ابتدایی در دوره قاجار»، مجله تاریخ علم، ۱۲، ۲، صص ۱۶۳-۱۷۲.
۸. ترابی‌فارسا، سیهیلا و زرین شریفیان‌پور (۱۴۰۱)، آداب تربیت در روند نوگرایی (از خلال آداب‌نامه‌های اجتماعی دوره قاجار)، تهران: نشر تاریخ ایران.
۹. حریری، علی‌اصغر (۱۳۳۱)، «تفکیک تاریخ از افسانه و افسون»، مجله یغما، ۴۷، صص ۶۷-۷۱.
۱۰. ذکاالملک، محمدعلی (۱۳۳۰ق)، دوره مختصری از علم فیزیک، به کوشش: جمال‌الدین خوانساری، [کاتب: مرتضی نجم‌آبادی و مرتضی الحسینی البرغانی]، [چاپ سنگی]، [مطبعه علی‌اصغر].
۱۱. رشدیه، حسن (۱۳۳۴ق)، اصول عقاید، تهران: کتابخانه ادب، [چاپ سنگی]، [محل نگهداری: کتابخانه آیت‌الله بروجردی]، [کاتب: قوام‌الکتاب]، [چاپخانه: میرزا علی‌اصغر].
۱۲. رضوی‌زاده، ماندانا (۱۳۹۱)، «رساله قواعد تدریس اطفال: دستنامه آموزش مکتب خانه»، مجله فرهنگ مردم، ۴۲، صص ۱۷-۲۶.
۱۳. سرمد، غلامعلی (۱۳۷۲)، اعزام محصل به خارج از کشور (در دوره قاجاریه)، تهران: پنیاد.
۱۴. سعیدی، حوریه (۱۳۷۹)، «مقدمه‌ای بر سیر تحول تدوین کتابهای تاریخ در مدارس؛ از تأسیس دارالفنون (۱۲۶۸ق) تا پایان دوره پهلوی»، تاریخ معاصر ایران، ۱۳ و ۱۴، صص ۲۵-۶۲.

۱۵. شعاری نژاد، علی اکبر، ابراهیم اصلانی و مرتضی مجدفر (۱۳۸۷)، «گفت و گو؛ شصت سال در مکتب عشق»، در زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی دکتر علی اکبر شعاری نژاد، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، صص ۱۳-۳۰.
۱۶. صافی، احمد (۱۳۷۳)، «سیر تحول در برنامه درسی دوره های راهنمایی تحصیلی ایران»، تعلیم و تربیت، ۳۷، صص ۱۱-۳۰.
۱۷. صدیق (صدیق اعلم)، عیسی (۱۳۰۴)، «تربیت اراده»، تعلیم و تربیت، ۱۰، صص ۱۱-۱۶.
۱۸. صفاء ذبیح الله (بی تا)، آموزش میهنی؛ آموزشگاهها و آموزشها در ایران از عهد قدیم تا دوران معاصر، [تهران]: شورای عالی فرهنگ و هنر.
۱۹. صفت گل، منصور (۱۳۷۸)، «تاریخ نویسی درسی در ایران از دارالفنون تا برافتادن فرمانروایی قاجاران»، دانشگاه انقلاب، ۱۱۲، صص ۱۵۳-۱۹۶.
۲۰. صادقی، مقصودعلی و محمدرضا عسکرانی (۱۳۸۶)، «درآمدی تاریخی بر روند تدوین و چاپ نخستین کتابهای درسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه اصفهان)، ۵۰، صص ۷۱-۸۹.
۲۱. صفوت، محمدعلی (۱۳۹۴)، تاریخ فرهنگ آذربایجان (با فواید ادبی)، به کوشش: رحیم نیکبخت میرکوهی، تهران: منشور سمیر.
۲۲. طاهر احمدی، محمود (۱۳۸۵)، «پیشگامان تألیف کتابهای درسی آموزش فارسی در عصر مشروطه»، گنجینه اسناد، ۶۲، صص ۲۱۵-۲۲۵.
۲۳. فردیار، مهرداد (۱۴۰۰)، «درس تاریخ در «دستور تعلیمات مدارس متوسطه» مصوب سال ۱۳۳۲/ق ۱۲۹۲ ش»، در تاریخ تحولات نظام آموزشی نوین در ایران: مجموعه مقالات پنجمین همایش «آموزش تاریخ در مدارس (سیستان و بلوچستان)»، به کوشش: رحیم روحبخش و فریده حشمتی، تهران: نگارستان اندیشه.
۲۴. فردیار، مهرداد (۱۳۹۸)، «معرفی و بازنشر کتاب درسی تاریخ سال سوم مقطع ابتدایی در سال ۱۳۴۵ ه.ق (۱۳۰۵/۱۳۰۶ ش)»، و شناسایی ابراهیم ادیب نوبری، در چالش ها و راهکارها؛ مجموعه مقالات چهارمین همایش «آموزش تاریخ در مدارس»؛ کرمان (پنجم بهمن ۱۳۹۶)، به کوشش: جمشید روستا و رحیم روحبخش، تهران: نگارستان اندیشه.
۲۵. فروغی (ذکال الملک)، محمدعلی (۱۳۲۷ ق)، تاریخ مختصر دولت قدیم روم، تهران: [بی نا]، [چاپ سربلی]، [چاپخانه فاروس].
۲۶. فروغی، محمدعلی (۱۳۹۰)، یادداشت های روزانه از محمدعلی فروغی (۲۶ شوال ۱۳۲۱-۲۸ ربیع الاول ۱۳۲۲ قمری)، به کوشش ایرج افشار، تهران: کتابخانه مجلس و نشر علم.
۲۷. فیوضات، ابوالقاسم (۱۳۳۴ ق)، هندسه متوسطه، تبریز: کتابخانه معرفت، چاپ اول، [چاپ سنگی]، [محل نگهداری: کتابخانه آیت الله بروجردی شهر قم]، [چاپخانه: مشهدی اسد آقا]، [کاتب: طاهر خوشنویس].
۲۸. قدیمی قیداری، عباس و اصغر (سیاوش) شوهانی (۱۴۰۰)، «سرگردانی تاریخ در دارالفنون: مسئله سرآغاز آموزش نوین تاریخ در ایران معاصر»، جستارهای تاریخی، سال ۱۲، ۱، صص ۳۱-۷۵.
۲۹. عسکرانی، محمدرضا (۱۳۸۹)، «آسیب شناسی آموزش تاریخ در نظام تعلیم و تربیت ایران «بررسی موردی عصر قاجار تا پایان دوره رضاشاه»، تاریخ مطالعات فرهنگی، ۵، صص ۱۴۳-۱۶۹.
۳۰. عسکرانی، محمدرضا (۱۳۸۹)، «هویت ایرانی در کتاب های درسی تاریخ «مطالعه موردی: دوره قاجار تا پایان حکومت رضاشاه»، پژوهش های تاریخی، ۵، صص ۶۷-۸۶.
۳۱. عسکرانی، محمدرضا و محمد پیری (۱۳۹۲)، «ضرورت و فایده درس تاریخ در نظام تعلیم و تربیت ایران «بررسی موردی عصر قاجار تا پایان دوره رضاشاه (۱۳۲۰-۱۱۷۴ ش)»، تعلیم و تربیت، ۱۱۳، صص ۳۵-۶۰.
۳۲. علی صوفی، علی رضا و فرهاد دشتکی نیا (۱۳۹۲)، «مسجد و نظام آموزش سنتی و جدید در دوره قاجار»، مطالعات تاریخ اسلام، ۱۸، صص ۶۹-۹۱.
۳۳. مرتضوی لنگرودی، سید محمدحسن (۱۳۷۲)، «مصاحبه با حضرت آیه الله حاج سید محمد حسن مرتضوی لنگرودی، حوزه، ۵۵، صص ۲۳-۶۷.

۳۴. محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۰)، تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران، ج ۱، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم.
۳۵. مدرس، سیدحسن (۱۳۰۵)، «دستور تحصیلات در مدارس قدیمه»، تعلیم و تربیت، ش ۲۰، صص ۵۰۲-۵۰۴.
۳۶. موسی‌پور، نعمت‌الله (۱۳۸۷)، «برنامه‌ریزی درسی در ایران معاصر»، تعلیم و تربیت، ش ۹۶، صص ۸۳-۱۲۴.
۳۷. موسی‌پور، نعمت‌الله (۱۴۰۱)، شرح پریشانی آموزش و برنامه درسی در ایران، تهران: فانوس اندیشه.
۳۸. موسی‌پور، نعمت‌الله (۱۴۰۲)، تاریخ برنامه درسی در ایران، تهران: همرخ نگاشت.
۳۹. ناطق، هما (۱۳۷۵)، کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران، پاریس: خاوران.
۴۰. نجمی، رضا (۱۳۳۱)، «خدمتگزاران قدیم و صمیم فرهنگ»، آموزش و پرورش، ش ۲۶، صص ۱۶۳-۱۶۰.
۴۱. نوابی، عبدالحسین (۱۳۷۷)، «دارالمعلمین عالی و پروگرام مدارس»، تاریخ معاصر، ۵، صص ۳۵-۶۰.
۴۲. هدایی، محمد (۱۳۸۸)، «بیست سال آزمون و جستن: نگاهی به برنامه‌های درسی دوره متوسطه عمومی در دو دهه نخست قرن حاضر»، تعلیم و تربیت، ۹۸، صص ۶۷-۹۹.
۴۳. وحید دستگردی، محمد (۱۳۰۵)، «علوم و اوقاف: بمناسبت وزارت آقای تدین»، ارمان، دوره ۷، صص ۲۷۳-۲۸۳.
۴۴. یاسمی، رشید (۱۳۲۰)، تاریخ ایران: برای تدریس در سال پنجم و ششم ابتدایی، چاپ هفدهم، [چاپخانه: شرکت طبع کتاب]، تهران: شرکت طبع کتاب، [کاتب: علی اکبر کاوه].
۴۵. یغمایی، اقبال (۱۳۵۲)، «سید محمد تدین سی‌امین وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه»، یغما، سال ۴۳، صص ۲۹۱-۳۰۳.
۴۶. (۱۲۹۸)، دستور تعلیمات شش ساله مدارس ابتدایی نسوان، [محل نگهداری: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران]، تهران: [بی‌نا]، [چاپ سنگی]، [چاپخانه: حاج عبدالرحیم].
۴۷. (۱۳۰۳)، دستور تعلیمات شش ساله مدارس ابتدایی ذکور، تهران؟: [بی‌نا]، [چاپ سربی]، [چاپخانه: فاروس].
۴۸. (۱۳۲۹ق)، دستور تعلیمات مدرسه ابتدائیه، [محل نگهداری: کتابخانه آیت‌الله بروجردی شهر قم]، [چاپ سربی].
۴۹. (۱۳۳۲ق)، دستور تعلیمات مدرسه ابتدائیه، [محل نگهداری: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران]، [چاپ سربی].
۵۰. (۱۳۳۵ق)، دستور تعلیمات ابتدائی، [محل نگهداری: کتابخانه آیت‌الله بروجردی شهر قم]، [چاپ سربی].
۵۱. دستور تعلیمات متوسطه ذکور دوره اول و دارالمعلمین ابتدایی
۵۲. (۱۳۳۳ق)، نظامنامه و پروگرام مدرسه سیروس، تهران: [محل نگهداری: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران]، [چاپ سربی]، [چاپخانه: باقرزاده].
۵۳. (بی‌نا)، تعلیم الاطفال، بی‌جا: بی‌نا، [چاپ سنگی].
۵۴. دستور تعلیمات متوسطه ذکور دوره اول و دارالمعلمین ابتدایی مهر-ماه
۵۵. (۱۲۹۶)، سالنامه وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، بی‌جا: بی‌نا، [محل نگهداری: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران]، [چاپخانه: طهران].
۵۶. (۱۳۰۵)، «خلاصه عملیات وزارت معارف»، تعلیم و تربیت، سال ۲، ۱، صص ۳۶-۴۴.
۵۷. (۱۳۰۴)، «رأب‌ر عملیات شورای عالی معارف»، تعلیم و تربیت، ۱۱ و ۱۲، صص ۶۲-۶۴.
۵۸. (۱۳۰۶)، «حصائیه مدارس و محصلان مدارس دولتی ایران در سال تحصیلی ۱۳۰۶-۱۳۰۵»، تعلیم و تربیت، سال ۳، ۱۱ و ۱۲، صص ۵۴۵-۵۶۱.
۵۹. (۱۳۰۴)، «مسابقه»، تعلیم و تربیت، ۳ و ۴، صص ۷۹-۸۰.
۶۰. فلسفی، نصرالله (۱۳۱۴)، «صول تعلیم و تربیت»، تعلیم و تربیت، سال اول، ۱۰، صص ۱۶۹-۱۸۴.
۶۱. (۱۳۰۴)، «لایحه و راپورت آقای کفیل وزارت معارف»، تعلیم و تربیت، سال اول، ۱، صص ۲۰-۲۶.
۶۲. (۱۳۰۴)، «تعلیمات ابتدایی در فرانسه»، تعلیم و تربیت، ۳ و ۴، صص ۷۵-۷۸.
۶۳. (۱۳۰۶)، «متحدالمالها»، تعلیم و تربیت، ۷ و ۸، صص ۳۳۸-۳۴۸.

۶۴. (۱۳۰۷)، «عوامل ترقی و انحطاط»، تقدم، ۷، صص ۳۰-۳۰۸.
۶۵. قانون اساسی معارف (مصوب نهم آبان ماه سال ۱۲۹۰/ دهم ذیقعدة سال ۱۳۲۹)، پایگاه اطلاع رسانی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تاریخ مشاهده: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱، قابل مشاهده در :
<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/90163>
۶۶. قانون شورای عالی معارف، تاریخ مشاهده: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱، قابل مشاهده در :
<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/90680>
۶۷. قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام (مصوب چهاردهم ذیقعدة سال ۱۳۲۵)، پایگاه اطلاع رسانی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تاریخ مشاهده: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱، قابل مشاهده در :
<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/90101>

اسناد آرشیوی

۱. اصلاحات پروگرام تحصیلات ابتدایی و معایب برنامه، شناسه سند: ۲۶۲۵/۲۹۷، محل نگهداری: آرشیو ملی ایران.
<http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/1428008>
۲. (۱۳۱۴)، بخشنامه وزارت معارف و اوقاف: مصوبه فرهنگستان در خصوص معادلهای فارسی کلمات برنامه به‌جای (پروگرام) گواهینامه به‌جای (تصدیق) و دانشنامه و... شناسه سند: ۲۹۷/۸۳۵۶، محل نگهداری: آرشیو ملی ایران.
<http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/1461507>
۳. (۱۳۳۴ ق)، رأی شورای عالی معارف بر تجدید نظر در کتب درسی و لزوم خودداری متصدیان چاپ کتب درسی از قید عنوان (مطابق پروگرام وزارت معارف) در ظهر آنها، شناسه سند: ۲۹۷/۳۶۵۳۷، محل نگهداری: آرشیو ملی ایران.
<http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/1461507>
۴. (۱۳۰۳)، رونوشتی از دستور تعلیمات دوره ابتدائی و دوره اول متوسطه مصوب شورای عالی معارف، شناسه سند: ۲۹۷/۳۰۱۵۲، محل نگهداری: آرشیو ملی ایران.
<http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/1455129>
۵. (۱۳۰۷)، درخواست اجازه به مدیر کتابخانه معرفت برای چاپ کتاب‌های درسی فارسی برای دانش‌آموزان آذربایجان، شناسه سند: ۲۹۷/۲۰۱۵۵، محل نگهداری: آرشیو ملی ایران.
<http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/1445135>
۶. (۱۳۱۵)، برنامه و دستور تعلیم اکابر (هدف تأسیس مدارس شبانه، مدت دوره و...)، اساسنامه تشکیلات و وظائف اداره تعلیمات اکابر، شناسه سند: ۲۹۷/۹۹۱۵، محل نگهداری: آرشیو ملی ایران.
<http://opac.nlai.ir/opac-prod/bibliographic/1435296>
۷. (۱۳۰۲/۰۳/۰۷)، تصویر صورتجلسه شماره ۲۷ شورای عالی معارف، مورخ، [محل نگهداری: شورای عالی آموزش و پرورش]
۸. (۱۳۰۲/۰۳/۱۴)، تصویر صورتجلسه شماره ۲۸ شورای عالی معارف، مورخ، [محل نگهداری: شورای عالی آموزش و پرورش]
۹. (۱۳۰۲/۰۴/۰۳)، تصویر صورتجلسه شماره ۲۹ شورای عالی معارف، مورخ، [محل نگهداری: شورای عالی آموزش و پرورش]
۱۰. (۱۳۰۲/۰۴/۱۰)، تصویر صورتجلسه شماره ۳۰ شورای عالی معارف، مورخ، [محل نگهداری: شورای عالی آموزش و پرورش]
۱۱. (۱۳۰۲/۰۸/۰۶)، تصویر صورتجلسه شماره ۳۹ شورای عالی معارف، مورخ، [محل نگهداری: شورای عالی آموزش و پرورش]